

## نقد و تحلیل شیوه های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی

سیده زهرا موسوی<sup>۱</sup> و محسن ذوالفقاری<sup>۲</sup>

### چکیده:

از دیرباز شعرا و نویسندگان به شیوه های مختلف اشعار خود را با آیات و احادیث زینت داده اند؛ به گونه ای که این شیوه ها در دواوینمختلف وجوه اشتراک و افتراق زیادی دارد. غرض از مقاله حاضر تبیین شیوه های تأثیرپذیری خاقانی از قرآن و حدیث است و یافتن این نکته که اصالت سبک خاقانی در تأثیرپذیری چیست؟ حاصل تحقیق نشان می دهد که خاقانی از شیوه های الهامی- بنیادی، گزاره ای، گزارشی از نوع ترجمه بسیار استفاده می کند ولیکن شیوه الهامی- بنیادی با رویکرد تلمیح و ایجاز قصر از اصالت های تأثیرپذیری در شعر خاقانی است.

### واژگان کلیدی: نقد، خاقانی، قرآن و حدیث

#### مقدمه:

شعرا و نویسندگان فارسی زبان پس از قرن دوم هجری تحت تأثیر کلام الهی و سخنان معصومین علیهم السلام تحول عظیمی در عرصه نظم و نثر ایجاد کردند. آمیختن فرهنگ ایرانی با آموزه های متعالی دین مبین اسلام روز به روز بیش تر شد تا این که در قرن های پنجم، ششم، هفتم و هشتم این تأثیرپذیری از قرآن و حدیث به اوج خود رسید. به گونه ای که شعرایی چون حکیم سنایی، حکیم ناصر خسرو، خاقانی، مولوی و حافظ هر کدام به سبک و سیاق خاص با استفاده از قرآن و حدیث، اندیشه خود را تعالی بخشیدند. با ضرس قاطع می توان گفت که شیوه های تأثیرپذیری شعرا از یکدیگر متمایز است. به عبارت بهتر می توان گفت وجوه افتراق و اشتراک شعرا در باب تأثیرپذیری درخور بررسی است. به گونه ای که اصالت سبک شعرا را در این خصوص می توان اثبات کرد. پیشینه تحقیقات نشان می دهد که محققین به تأثیرپذیری شعرا از قرآن و حدیث بسیار پرداخته اند. از جمله تحقیقات در این خصوص می توان به کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» نوشته علی اصغر حلبی، «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» نیز به مقالاتی از نویسندگان مقاله حاضر با عنوان «شیوه های تأثیرپذیری در شعر ناصر خسرو» و «شیوه های تأثیرپذیری در شعر نظامی» اشاره کرد. الا ایحال باید گفت که در خصوص شیوه های تأثیرپذیری خاقانی و سبک او در استفاده از قرآن و حدیث مقاله ای مشاهده نشده است.

---

\*\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۰۵

<sup>۱</sup> - نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه اراک [m-mosavi@araku.ac.ir](mailto:m-mosavi@araku.ac.ir)

<sup>۲</sup> - دانشیار دانشگاه اراک، [m-zolfaghary@araku.ac.ir](mailto:m-zolfaghary@araku.ac.ir)

غرض از نگارش مقاله حاضر تبیین شیوه‌های تأثیرپذیری در شعر خاقانی از سویی و تشریح پیچیدگی‌ها از سوی دیگر است. رویکردهای وام‌گیری و برآیند‌سازی یا واژگانی، گزاره‌ای، گزارشی، حل، اقتباس و انواع حل، الهامی بنیادی و تعامل تأثیرپذیری‌ها با زیبایی و... از مهم‌ترین بخش‌های مقاله است که حاصل آن به تفکیک در ۶ محور اصلی و ۱۲ رویکرد فرعی می‌آید.

۱ - آنچه در نگاه نخست در سیر تأثیرات خاقانی از قرآن و حدیث مخاطب را جذب خویش می‌نماید قطعاً زیبایی اندیشه است. به عبارتی تأثیرات شاعر در این رویکرد محتوایی مایه غنای شعر او می‌شود. همین غنای اندیشه از محاسن اشعار او محسوب می‌شود. لیکن اصالت زیباشناختی شعر خاقانی در کنار آیات و احادیث صرفاً مدیون محتوا نیست؛ بلکه در یک جامعه آماری این نتیجه حاصل می‌شود که شاعر برای غنای محتوا از عنصر تلمیح سود می‌جوید و اندیشه زیبا در کنار این عنصر زیباشناختی، اصالت سبکی زیباشناختی ادبیات قرآنی و حدیثی او را می‌سازد. به گونه‌ای که اختصاص حدود ۲۵ درصد از رویکردهای شاعر به تلمیح برای اثبات این مدعا کافی است که از این میان توجه خاص شاعر به حضرت مسیح (ع) با اشارات مختلف درخور اهمیت است. به عنوان مثال شاعر از نطق عیسی، صوم مریم، اعجاز مریم و نخل خرما، مرغ عیسی و مسأله‌دارو... در ابیات زیر تلمیح‌وار سخن می‌گوید:

چه بود آن نطق عیسی وقت میلاد	چه بود آن صوم مریم گاه اصغا
(دیوان، ص ۲۷)	
مریم گشاده روزه و عیسی بیسته نطق	کو در سخن گشاده سر سفره سخا
(دیوان، ص ۵)	
نتیجه دختر طبعم چو عیسی است	که بر پاکی مادر هست گویا
(دیوان، ص ۲۴)	

همه برگرفته از «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا \* قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم، ۳۰، ۲۹) و یا:

سخن بر بکر طبع من گواه است	چو بر اعجاز مریم نخل خرما
(دیوان، ص ۲۴)	
زبان بسته به مدح محمد آرد نطق	که نخل خشک پی مریم آورد خرما
(دیوان، ص ۱۳)	

که برگرفته از آیات ۲۵ ۲۳ سوره مریم است: «... وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِيئًا» و...  
۲- عنایت به رویکردهای زبانی قرآن و حدیث خاقانی نشان می‌دهد که شاعر به عناصر زبان همچون جملات، ترکیبات و کلمات اعم از افعال، اسامی و حروف توجه شایانی دارد. این امر عمدتاً در تأثیرات گزاره‌ای مشهود است. تأمل در شیوه گزاره‌ای در ابیات خاقانی که حدود ۳۳ درصد از انواع تأثیرپذیری را شامل می‌شود، نشان

می‌دهد که شاعر عبارات و گزاره‌ها را عمدتاً در جایگاه یک واژه می‌نهد و بدان نقش دستوری می‌دهد. آنچه از حیث نحوی در این خصوص قابل ذکر است این است که شاعر عمدتاً ترکیبات یا کلمات متأثر از قرآن و حدیث را در جایگاه مضاف‌الیه قرار می‌دهد و همین امر اصالت سبکی زبانی ترکیبات متأثر از قرآن و حدیث را در شعر خاقانی می‌سازد. نقش مفعولی و نهادی آیات و احادیث در لابه‌لای ابیات نیز از جایگاه خاصی برخوردار است. به عنوان نمونه شاعر در ابیات زیر به نقش اضافی (مضاف‌الیهی) آیات و احادیث توجه کرده است:

آورده روزنامه دولت در آستین مهرش نهاده سوره والنجم اذا هوی

(دیوان، ص ۶)

گر در سموم بادیه لا تبه شوی آرد نسیم کعبه الا اللهت شفا

(دیوان، ص ۱۳)

مرا به منزل الا الذین فرود آور فروگشای زمن طمطراق الشعراء

(دیوان، ص ۱۰)

مگر شیبی ز برای عیادت دل تو قدم نهد صفت ینزل الله از بالا

(دیوان، ص ۱۱)

زبان به مهر کن و جز به گاه لا مگشای که در ولایت قالوا بلی رسی از لا

(دیوان، ص ۹)

گر سر یوم یحیی بر عقل خوانده‌ای پس پایمال مال مباش از سر هوا

(دیوان، ص ۴)

...

نیز در نمونه‌های زیر که گزاره‌های برگرفته از آیات و احادیث در نقش مفعولی به کار رفته است:

از آن زمان که فرو خواندم آن کتاب کریم همی سرایم یا ایها الملاء بملا

(دیوان، ص ۲۹)

مجرد آی در این راه تا زحق شنوی الی عبدی اینجا نزول کن اینجا

(دیوان، ص ۱۳)

لا تعجبوا اشارت کرده به مرسلین لا تقنطوا بشارت داده به اتقیاء

(دیوان، ص ۵)

...

۳- در تحلیل اصالت سبک خاقانی در خصوص تأثیر واژگان و تراکیب دیوان شاعر از قرآن و حدیث گفتنی است که شاعر گرچه واژگان و ترکیب‌های زیادی را از آیات و احادیث اخذ می‌کند، لیکن صرفاً به همین حد تأثیرپذیری بسنده نمی‌کند بلکه به رویکردهای گزاره‌ای، الهامی بنیادی و تلمیحی توجه خاصی دارد. علاوه بر این

نگاه زیباشناختی، موسیقایی و... نیز بر حسن کار شاعر یعنی تأثیرپذیری از قرآن و حدیث افزوده می‌شود؛ لذا جایز نیست که اصالت سبک خاقانی را در این باب وام‌گیری صرف واژگان قرآنی و حدیثی دانست. چنانچه بخواهیم از حیث آماری واژگان خاقانی را در این زمینه بررسی نماییم؛ باید بگوییم که تنها حدود ۲ درصد از واژگان متأثر از قرآن و حدیث در دیوان شاعر از نوع تأثیرپذیری صرف از واژگان به عبارتی از نوع وام‌گیری است. گاه شاعر در رویکرد وام‌گیری، تنها به ذکر نام سوره‌های قرآن بسنده کرده است. چنانچه می‌گوید:

پس از الحمد و الرحمن و الکهف      پس از یاسین و طاسین میم و طاها  
پس از میقات و حرم و طوف کعبه      جمار و سعی و لیبک و مصلا

(دیوان، ص ۲۵)

که شاعر بعد از ذکر نام سوره‌ها به واژه‌های لیبک برگرفته از جملات مربوط به واجبات احرام؛ «لِیَبِّکَ اللّٰهُمَّ لیبک...» و لفظ «مصلا» برگرفته از «... وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرٰهیمَ مُصَلّٰی...» (بقره، ۱۲۵) اشاره کرده است. و یا واژگان «بسم» و «الحمد» در بیت:

نجسته فقر سلامت کجا کنی حاصل      نگفته بسم به الحمد چون کنی مبدا

(دیوان، ص ۱۲)

اندکی بیش‌تر از تأثیرپذیری واژگان به صورت منقطع، خاقانی به صورت وسیع‌تر پای در عرصه برآیند‌سازی می‌گذارد و ترکیب‌هایی را می‌سازد که به صورت ترکیب اضافی می‌آید و خصلت سبکی این ترکیب‌ها این است که عین ترکیب در قرآن و حدیث نیامده است. بلکه خاقانی از آیه و حدیث با افزودن کلمات دیگر برآیندی ساخته است. از حیث آماری می‌توان گفت که شاعر حدود ۱۲ درصد از تأثیراتش به صورت برآیند‌سازی دیده می‌شود. از این نوع برآیند‌سازی‌ها می‌توانیم بر ترکیب‌های «مشکوه دل، مصباح لا، نفخ روح، عصای دست موسی، روح‌الله، معلم اسماء عزیز مصر حرمت، قابل امانت و...» اشاره می‌کنیم. ترکیبات فوق‌بالصراحه و عیناً برگرفته از قرآن نیست بلکه ترکیب‌هایی است که خاقانی از ترکیب واژگان موجود در آیه یا از مفهوم کلی واژه‌ها و ترکیب‌های قرآنی ساخته است. به عنوان نمونه ترکیب‌های زیر برآیند‌سازی از قرآن و حدیث است:

### ۳-۱ در برآیند‌سازی «مشکوه دل و مصباح لا» در بیت:

هر چه جز نور السموات از خدای آن عزل کن      گر تو را مشکوه دل روشن شد از مصباح لا

(دیوان، ص ۱)

به آیه ۳۵ از سوره نور توجه دارد:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...» (نور، ۳۵)

لازم به ذکر است که خاقانی در بسیاری از ابیات همانند همین بیت ضمن برآیند‌سازی و ساخت تراکیب از شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری استفاده می‌کند.

### ۳-۲ نفخ روح در بیت:

به روح القدس و نفخ روح و مریم

به انجیل و حواری و مسیحا

(دیوان، ص ۲۸)

برآیندی است متأثر از: ... فَفَخَّنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا ... (انبیاء، ۹۱) ... فَفَخَّنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا... (تحریم، ۱۲) نیز سوره نساء آیه ۱۷۱.

۳-۳ عصای دست موسی در بیت:

به دست آرم عصای دست موسی      بسازم زان عصا شکل چلیپا

(دیوان، ص ۲۶)

برآیندی است از: « قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأُشْفِي بِهَا... » (طه، ۱۸)

۳-۴ «معلم اسماء» در بیت:

دمش خزینه گشای مجاهر ارواح      دلش خلیفه کتاب معلم اسماء

برآیندی است از: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ». (بقره، ۳۱)

۳-۵ «عزیز مصر حرمت» در مصراع:

من عزیزم مصر حرمت را و این نامحرمان... (دیوان، ص ۱۸)

شاعر «عزیز» و «مصر» را از دو آیه اخذ می‌کند: «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَكَلْدًا...» (یوسف، ۲۱)

(البته عزیز مصر و واژه حرمت که رویکرد الهامی بنیادی نیز درخور بحث است)

۳-۶ «قابل امانت» در بیت:

آن قابل امانت در قالب بشر      و آن عالم ارادت در عالم جزا

(دیوان، ص ۱۷)

برآیندی است از: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ» (احزاب، ۷۲)

به عبارتی شاعر لفظ قابل را از ان یحملنها و امانت را از «الامانة» اخذ کرده است و این برآیند را ساخته است.

۴- یکی از رویکردهای مهم خاقانی در استفاده از آیات و احادیث آوردن گزاره‌هایی در این زمینه است. درصد آماری این نوع تأثیرپذیری درخور توجه و به عنوان یکی از اصالت‌های سبکی در دیوان خاقانی قابل طرح است. به عبارتی صریح‌تر می‌توان گفت خاقانی سعی دارد آیات و احادیث را عیناً و یا با تغییراتی در شعر خود منعکس سازد. حدوداً ۳۴ درصد از تأثیرات شاعر از نوع گزاره‌ای است.

۴-۱ از میان انواع تأثیرپذیری‌های گزاره‌ای تنها حدود ۳ درصد از نمونه‌ها «تضمین» و «اقتباس» است که شاعر عین عبارات قرآنی یا حدیثی را یا بخش عمده‌ای از آیه و حدیث را در شعر خود می‌گنجاند که این نوع تأثیرپذیری گزاره‌ای بسیار ناچیز است و به عنوان نمونه به شواهد زیر می‌توان اشاره کرد:

آورده روزنامه دولت در آستین

مهرش نهاده سوره و النجم اذا هوی

(دیوان، ص ۶)

که اشاره به آیه اول سوره نجم دارد که می‌فرماید: «وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» (نجم، ۱)

و یا در شاهد زیر که بخشی از آیه را اقتباس و تضمین می‌کند:

تنگ آمده است زلزلت الارض هین بر مالها و قال الانسان مالها

(دیوان، ص ۴)

که شاعر از دو بخش آیه زیر استفاده کرده است: « إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا \* وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَنْفَالَهَا \* وَقَالَ

الإنسان ما لها» (زلزله ۳-۱)

و یا در شاهد زیر که از بخش پایانی آیه استفاده می‌کند:

اگر چه هر چه عیال‌مند خصم‌مند جواب ندهم الا انهم هم السفها

(دیوان، ص ۳۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۳)

و یا در شاهد زیر:

پس آسمان به گوش خود گفت شک مکن کان قدر مصطفی است علی العرش استوی

(دیوان، ص ۵)

که اشاره دارد به بخش مهمی از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ» (طه، ۵)

۲-۴ اما یکی از اصالت‌های سبکی خاقانی تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حل است که شاعر با دخل و تصرفاتی

از آیات و احادیث استفاده می‌کند و یا کلمات برگرفته از آیه را به صورت پراکنده در بیت می‌آورد که در جامعه

آماری می‌توان گفت ۳۰ درصد از تأثیرپذیریهای خاقانی گزاره‌ای از نوع حل است، این نوع تأثیرپذیری گزاره‌ای به

شیوه‌های زیر در دیوان دیده می‌شود:

۴-۲-۱ خاقانی در تأثیر گزاره‌ای از نوع حل گاه از دو کلمه آیه و حدیث در کنار هم استفاده می‌کند که ۱۲

درصد از انواع حل را تشکیل می‌دهد جهت نمونه به شواهد زیر می‌توان اشاره کرد:

مجرد آی در این راه تا ز حق شنوی السی عبدی اینجا نزول کن اینجا

(دیوان، ص ۱۳)

برگرفته از «یا عبدی ارجع الی» است.

- «یوم یحیی» در بیت:

گر سر یوم یحیی بر عقل خوانده‌ای پس پایمال مال مباش از سر هوا

(دیوان، ص ۴)

« یَوْمَ یُحْیِی عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوِی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ

تَكْفُرُونَ» (توبه، ۳۵)

- «قاب قوسین» و «بعد المشرقین» در بیت:

با تو قرب قاب قوسین آنکه افتد عشق را  
کز صفات خود به بعد المشرقین مانی جدا

(دیوان، ص ۱)

که به دو آیه زیر به تفکیک اشاره دارد:

«فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (نجم، ۹)

- «قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ» (زخرف، ۳۸)

- «لا» و «قالوا بلی» در بیت:

زبان به مهر کن و جز به گاه لا مگشای  
که در ولایت قالوا بلی رسی از لا

(دیوان، ص ۹)

برگرفته از آیات:

- شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... (آل عمران، ۱۸)

- وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا... (اعراف،

۱۷۲)

- «اخرج المرعى» در بیت:

دو شاخ گیسوی او چون چهار بیخ حیات  
به هر کجا که اثر کرد اخرج المرعى

(دیوان، ص ۹)

اشاره به: و الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى... (اعلی، ۴)

مگر شبی ز برای عیادت دل تو  
قدم نهد صفت ینزل الله از بالا

(دیوان، ص ۱۱)

برگرفته از احادیث قدسی:

ینزل الله الی السماء الدنيا حین یمضی ثلث اللیل الاول فیقولُ انا الملکُ من ذالذی یدعونی فاستجب له و من ذالذی

یسألنی فأعطیه، من ذالذی یتغفرنی فأغفر له فلا یزال کذلک حتی یضی الفجرُ (احادیث قدسی، ج ۱، ص ۷۴)

- «جماع الاثم» در بیت:

برو نخست طهارت کن از جماع الاثم  
که کس جنب نگذارند در جناب خدا

(دیوان، ص ۱۳)

برگرفته از حدیث:

«الخمیر جماع الاثم و امّ الخبائث و مفتاح الشر» (مسند الشهاب، ج ۱، ص ۶۸؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۷۴)

- «أخسئوا فیها» در بیت:

که خود زبان زبانی به حبس گاه جحیم  
دهد جواب بواجب که اخسئوا فیها

(دیوان، ص ۳۱)

برگرفته از آیه: قال أٰخِسْتُوا فِيهَا وَ لَا تُكَلِّمُون... (مؤمنون، ۱۰۸)  
- «رَبَّنَا آرِنَا» در بیت:

یعین من تو شناسی ز شک مختصران      که علم تست شناسای ربّنا آرنا

(دیوان، ص ۱۰)

برگرفته از آیه: «وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا رَبَّنَا آرِنَا...» (فصلت، ۲۹)

نیز از حدیث: اللهم ربنا آرننا الاشياء كما هي (عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۱۳۲) و شواهدی دیگر که خاقانی از کلمات اندکی از آیه و حدیث سود جسته است.

۲-۴-۲ رویکرد خاقانی در شیوه تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حل به صورت آوردن کلمات یه در چند جای ابیات به صورت پراکنده است. هنر خاقانی رادر این گونه موارد بیش تر هنگامی ی بینیم که شاعر از اجزاء یک آیه یا حدیث در ترکیب سازها استفاده می کند. این شیوه تأثیرپذیری از نوع حل حدوداً ۹ درصد جامعه آماری را می سازد، به عنوان نمونه:

- «نفس مطمئنه، آواز ارجعی و هاتف رضا» در بیت:

با نفس مطمئنه قرینش کن آن چنان      کآواز ارجعی دهدش هاتف رضا

(دیوان، ص ۶)

برگرفته از آیه: « يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً » (فجر، ۲۸-۲۷)

- ترکیب «الالذین» و «طمطراق الشعرا» در بیت:

مرا به منزل الالذین فرود آور      فروگشای ز من طمطراق الشعرا

(دیوان، ص ۱۰)

که مصراع دوم بر گرفته از آیات: « وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ \* أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ \* وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ » (الشعرا، ۲۲۶ ۲۲۴)

و مصراع اول برگرفته از آیه: «إِلَّا الَّذِيْنَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...» (شعراء، ۲۲۷)

- ترکیب «کتاب کریم» و «ایها الملاء» در ابیات:

درست گویی صدرالزمان سلیمان بود      صبا چون هدهد و محنت سرای من چو  
از آن زمان که فروخواندم آن کتاب کریم      همی سرایم یا ایها الملاء بملا

(دیوان، ص ۲۹)

برگرفته از آیه: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ...» (نمل، ۲۹)

- ترکیبات «نور السموات، مشکوه دل و مصباح لا» در بیت:

هر چه جز نور السموات از خدای آن عزل کن      گر ترا مشکوه دل روشن شد از مصباح لا

(دیوان، ص ۱)

برگرفته از آیه: «الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح في زجاجة الزجاجه كأنها كوكب دري...»  
(نور، ۳۵)

- و یا ترکیباتی چون «تیه لا، منزل الا الله، در لا، صدر الا، بادیه لا، کعبه الا الله و...» در ابیات:

از عشق ساز بدرقه پس هم به نور عشق      از تیه لا به منزل الا الله اندر آ

(دیوان، ص ۳)

چون رسیدی بر در لا صدر الا جوی از آنک      کعبه را هم دید باید چون رسیدی در منا

(دیوان، ص ۲)

بالابرآر نفس چلیپا پرست از آنک      عیسی تست نفس و صلیب است شکل لا  
گر در سموم بادیه لا تبه شوی      آرد نسیم کعبه الا اللهت شفا  
لا زلات باز ندانی به کوی دین      گر بی چراغ عقل روی راه انبیا

(دیوان، ص ۱۶)

که برگرفته از عبارت «لا اله الا الله» و آیه زیر است:

شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ (آل عمران، ۱۸)

۴-۲ رویکرد خاقانی در تأثیرپذیری گزاره‌ای گاه در حد استفاده از یک کلمه خلاصه می‌شود که این واژه ذهن مخاطب را به سوی آیه مورد نظر سوق می‌دهد. این گونه کلمات و واژه‌های کلیدی در حد تلمیح نیست، بلکه بخشی از یک گزاره است که شاعر با حذف اساسی کلمات آیات و احادیث، تنها به یک فعل یا اسم از آیه و حدیث مزبور بسنده کرده است و این رویکرد خاقانی اوج تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حل محسوب می‌شود. حدود ۹ درصد از تأثیرپذیریهای گزاره‌ای از نوع حل، این گونه است؛ جهت نمونه می‌توان به شواهد زیر اشاره کرد:

اگر مرا ندی ارجعی رسد امروز      وگر بشارت لاتقنطوا رسد فردا

(دیوان، ص ۲۱)

برگرفته از آیات زیر است:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً» (فجر ۲۸-۲۷)

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...» (زمر، ۵۳)

- «لا تخف» و «لا بشری» در بیت:

به روز حشر که ابرار لا تخف شنوند      به گوش خاطر ایشان رسان که لا بشری

(دیوان، ص ۱۰)

برگرفته از دو آیه: «وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَخْزَنْ» (عنکبوت، ۳۲) لا بشری یَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ (فرقان، ۲۲) است.

«لا تعجبوا و» لا تقنطوا در بیت:

لا تعجبوا اشارت کرده به مرسلین      لا تقنطوا بشارت داده به اتقیما

(دیوان، ص ۵)

شاعر «لا تعجبوا» را به صورت حلّ از آیات زیر گرفته است:

«أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ» (نجم، ۵۹) «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ» (هود، ۷۳)

و «لا تقنطوا» را از آیه «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ...» (زمر، ۵۳) اخذ کرده است.

- گاه شاعر در تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حلّ تنها به کلمه آغاز آیه بسنده می‌کند:

نجسته فقر، سلامت کجا کنی حاصل      نگفته بسم بالحمد چون کنی مبدا

(دیوان، ص ۱۲)

که شاعر از آغاز دو آیه به تفکیک سود جسته است: بسم الله الرحمن الرحيم (فاتحه، ۱) الحمد لله رب العالمين

(فاتحه، ۲)

- تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حلّ گاه در حد ذکر یک حرف از عبارت مطرح می‌شود. شاعر در شواهد زیر از

حرف «لا» استفاده می‌کند:

ای پنج نوبه کوفته در دار ملک لا      لا در چهار بالش وحدت کشد ترا

دروازه سرای ازل دان سه حرف عشق      دندان‌ه کلید ابدان دو حرف لا

بی حاجی لا به در دین مر که هست      دین گنج خانه حق و لا شکل ازدها

(دیوان، ص ۳)

که بر گرفته از عبارت «لا اله الا الله» و «شهد الله انه لا اله الا هو» (آل عمران، ۱۸) است (نیز رک: ۲-۲-۴)

- خاقانی در این نوع تأثیرپذیری به ندرت از صنعت هجا استفاده می‌کند و کلمه برگرفته از قرآن را به صورت

هجایی در بیت می‌آورد:

آن ب و ت شکن که به تعریف او گرفت      هم قاف و لام رونق و هم کاف و نون

(دیوان، ص ۴)

که قاف و لام مراد لفظ «قل» است برگرفته از آیه «قل هو الله احد» به معنی توحید و «کاف و نون» مراد لفظ

«کن» برگرفته از آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲) و یا آیه: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره، ۱۱۷)

- یکی دیگر از رویکردهای خاقانی در تأثیرپذیری گزاره‌ای از نوع حلّ آوردن یک لفظ از آیه و حدیث است

همراه با مضامینی که الهام گرفته از آیه و حدیث است، به عبارتی تأثیرپذیری گزاره‌ای را با الهامی بنیادی تلفیق

می‌کند. در بیت زیر شاعر لفظ «قنا» را از قرآن اخذ می‌کند ولی ترکیب و مفاهیم بعد از آن را خود می‌سازد که بنیاد

آن سخن در آیات وجود دارد. به عنوان مثال می‌گوید:

قنوت من به نماز نیاز در این است      که عافنا و قنا شرراً قضیت لنا

(دیوان، ص ۱۰)

در این بیت لفظ «قنا» گزاره‌ای است که در آیه آمده است، ولی عبارت «شَرِّ مَا قَضَيْتَ لَنَا» در آیات نیامده است ولی قریب به همین مفهوم یعنی «عذاب النار» بعد از لفظ «قنا» در آیه زیر موجود است: «رَبَّنَا ... سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۱) و یا در آیات:

– وَمِنْهُمْ مَّنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره، ۲۰۱)  
– الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۶)

۵- یکی از رویکردهای مهم در دیوان خاقانی اثرپذیری الهامی بنیادی است. شاعر در این رویکرد پایه و بنیاد سخن را از آیه و حدیث اخذ می‌کند. ۳۰ درصد تأثیرات خاقانی از قرآن و حدیث الهامی بنیادی است. این الهام گاه از وضوح خاصی برخوردار است و به نوعی ترجمه خیلی آزاد محسوب می‌شود و گاه بسیار بعید و دور از ذهن است و با تأمل می‌توان دریافت که خاقانی متأثر از آیه و حدیث است. از حیث آماری ۱۹ درصد از تأثیرات الهامی بنیادی از نوع اول و ۱۱ درصد از نوع دوم است.

۵- ۱ خاقانی در رویکرد الهامی بنیادی عمدتاً اسنادهایی را می‌آورد که کلید واژه این اسنادها برگرفته از قرآن و حدیث است؛ به گونه‌ای که باید آن را ترجمه خیلی آزاد از آیات و احادیث به شمار آورد؛ شواهد زیر از این نوعند:

– اسناد «امارت» و این که زبان شاعر کلید گنج عرش است در بیت:

هم امارت هم زبان دارم کلید گنج عرش      وین دو دعوی را دلیلت از حدیث مصطفی

(دیوان، ص ۱۸)

برگرفته از: الشعراء امراء الکلام (ایضاح المکنون، ص ۵۱۱)

و حدیث «انَّ لَهِ تَحْتَ الْعَرْشِ كَنْزاً مَفَاتِيحُهَا السَّنَةُ الشُّعْرَاءُ» است. (تذکره القبور، ص ۲۵)

– اسناد «سحر و معجزه» به ذهن و فطنت خاقانی به عنوان شاعر در بیت:

دشمنند این ذهن و فطنت را حریفان      منکرند این سحر و معجز را رفیقان ریا

(دیوان، ص ۱۸)

برگرفته از حدیث: «إِنَّ مَنَ الْبَيَانَ لِسِحْرًا» (معجم احادیث نبوی، ج ۲، ص ۴۳۴) و یا «يقولون شاعر كاهنٌ ساحرٌ» (همان)

نیز ساختار «نظامیان سحر» برای شعرا در بیت زیر متأثر از احادیث فوق است:

عقد نظامیان سحر از من ستاند واسطه      قلب ضربان شعر از من پذیرد کیمیا

(دیوان، ص ۱۷)

– اسناد «بانوا بودن نظام آفرینش» به پنج فریضه الهام گرفته از آیات مربوط به تسبیح تکوینی است؛ در بیت:

بر پنج فرض عمر بر افشان که هست      شش روز آفرینش از این پنج بانوا

(دیوان، ص ۴)

برگرفته از آیه: « يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ... » (تغابن، ۱) و یا آیه: « يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ » (جمعه، ۱)

- سخن درباره «خلق و نطق» رسول اکرم (ص) در بیت زیر اساساً برگرفته از آیات است:

زبوی خلقتش حبل الورید یافت حیات      ز فرّ نطقش حبل المتین گرفت بها

(دیوان، ص ۱۴)

برگفته از:

- وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم، ۴) / وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (نجم، ۳)

- ترکیب «حامل بکر» و اسناد آن به حضرت مریم در بیت زیر الهام گرفته از آیه است:

به مهد راستین و حامل بکر      به دست و آستین و باد مجرا

(دیوان، ص ۲۸)

برگرفته از: قَالَتْ رَبِّ أُنَّىٰ يَكُونُ لِي وَكَلْدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ (آل عمران، ۴۷)

- اسناد «زبان بسته عیسی به نطق درباره رسول اکرم (ص)» الهام گرفته از آیه «و مبشراً برسول يأتي من بعدی اسمه احمد» (الصف، ۶) در بیت:

زبان بسته به مدح محمد آرد نطق      که نخل خشک پی مریم آورد خرما

(دیوان، ص ۱۳) (نیز ر.ک: درباره نخل خشک و مریم به بحث تلمیحی)

- ترکیب «قابل امانت» در بیت:

آن قابل امانت در قالب بشر      و آن عامل ارادت، در عالم جزا

(دیوان، ص ۱۷)

الهام گرفته از آیه: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب، ۷۲)

- اسناد «تلقین سودا به شیطان» در بیت:

بس ای خاقانی از سودای فاسد      که شیطان می‌کند تلقین سودا

(دیوان، ص ۲۷)

که الهام گرفته از: «... يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ...» (حج، ۵۳) است.

و شواهدی دیگر:

۵- ۲ دسته دیگر از رویکردهای الهامی بنیادی در شعر خاقانی از حد ترجمه بسیار آزاد هم می‌گذرد، ولی با

این وجود الهام گرفته از آیات و احادیث است که دور از ذهن و بعید به نظر می‌رسند، لیکن با تأمل قابل تشخیص است؛ جهت نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

زان سوی عرش رفته هزاران هزار میل      خود گفته آین انزل و حق گفته هیئنا

شاعر ضمن این که بنیاد سخنش را آیات قرار می‌دهد، ولی از حد ترجمه آزاد گذشته است، متأثر از آیات:

«وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى \* ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم، ۹-۷)

در این مقام کسی کوچو مار شد دو زبان      چو ماهی است بریده زبان در آن مأوا

(دیوان، ص ۸)

الهام گرفته از حدیث: المسلم من سلّم من المسلمون من لسانه و یده (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۱۳)

سربنه کاینجا سری را صد سر آید در      بلکه بر سر هر سری را صد کلاه آید عطا

(دیوان، ص ۱)

الهام گرفته از آیه: «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها» (انعام، ۶۰)

رخت از این گنبد برون بر گر حیاتی      زان که تا در گنبدی با مردگانی هم وطا

(دیوان، ص ۱)

الهام گرفته از حدیث: ایا کم ومجالسه الموتی قیل و من هم قال الأغنیاء (احادیث مثنوی، ص ۱۵۶)

لفظ دل و نقش امانی با توجه به «نظرگاه پادشاه» الهام گرفته از احادیث است، در بیت:

در دل مدار نقش امانی که شرط نیست      بتخانه ساخته ساختن ز نظرگاه پادشاه

(دیوان، ص ۳)

الهام گرفته از حدیث: ان الله لا ينظرُ الى صوركم و اموالکم و لكن ينظرُ الى قلوبکم و اعمالکم (احادیث مثنوی،

ص ۵۹)

- اسناد سیلی خوردن شیطان از رسول اکرم (ص) در بیت:

آدم از او به برقع حرمت سپید روی      شیطان از او به سیلی حرمان سیه قفا

(دیوان، ص ۵)

الهام گرفته از روایت: «أسلم شیطان علی یدی و لا یأمرنی الا بالخیر» (احادیث مثنوی، ص ۲۲۱/ فرهنگ

عبارتهای عربی در...، ج ۱، ص ۱۲۲)

نیز حدیث: لیس منکم من أحد الا و قد وکل به قرینه من الشیاطین قالوا و انت یا رسول الله قال نعم و لكن الله

أعانتی علیه فأسلم (احادیث مثنوی، ص ۲۲۱)

- در بیت:

ای هستها ز هستی ذات تو عاریت      خاقانی از عطای تو هست آیت ثنا

(دیوان، ص ۷)

الهامی است از حدیث «لولا محمد ما خلقت الدنيا و الآخرة و لا السموات و الأرض و لا العرش و لا الكرسي

و لا اللوح و لا القلم و لا الجنة و لا النار و لولا محمد ما خلقتک یا آدم» (احادیث مثنوی، ص ۲۴۹، برگرفته از شرح

تعرف)

۶- یکی از شاخه‌های تأثیرپذیری الهامی بنیادی که شاعر به عمد نکته و نشانه‌ای را در بیت خویش ذکر

می‌کند، تأثیرپذیری «تلمیحی» است و این نکته و نشانه است که رویکرد تلمیحی را از شیوه الهامی بنیادی متمایز

می‌سازد؛ هر چند که در هر دو شیوه، تأثیر شاعر الهام گرفته از قرآن و حدیث است. درصد آماری این رویکرد در دیوان خاقانی حدوداً ۲۵ درصد است که به انضمام ۳۰ درصد رویکرد الهامی بنیادی حدوداً ۵۵ درصد از جامعه آماری را در دیوان شاعر تشکیل می‌دهد و قطعاً می‌توان شیوه الهامی بنیادی را در کنار شیوه تلمیحی از اصالت‌های سبکی دیوان خاقانی به حساب آورد و این جامعه آماری در مقایسه با شیوه گزاره‌ای (حدود ۳۵-۳۰ درصد) از اصالت بیشتری برخوردار است. تأثیر محتوای قصاید خاقانی نشان می‌دهد که نوع تأثیرپذیری به شیوه تأثیرپذیری تلمیحی با محتوای قصیده ارتباط تام دارد. به عنوان مثال در قصیده ترسائیه، شاهد تأثیرپذیری تلمیحی مربوط به حضرت عیسی (ع) هستیم. همین طور در قصایدی که خاقانی به مدح رسول اکرم (ص) و... می‌پردازد. نمونه‌هایی از تأثیرپذیری تلمیحی در دیوان خاقانی:

- ساختن «مرغ» توسط عیسی (ع) و طبابت عیسی (ع) در ابیات:

چه راحت مرغ عیسی را زعیسی	که همسایه است با خورشید عذرا
(دیوان، ص ۲۴)	
چگونه ساخت از گل مرغ عیسی	چگونه کرد شخص عازر احیا
(دیوان، ص ۲۷)	
چرا عیسی طیب مرغ خود نیست	که اکمه را تواند کرد بینا
(دیوان، ص ۲۴)	
زمرغزار سلامت دل مراست خبر	که هم مسیح خبر دارد از مزاج گیا
(دیوان، ص ۷)	
اکنون طلب دوا که مسیح تو برزمی است	کانگه که رفت سوی فلک فوت شد دوا
(دیوان، ص ۱۵)	

الهام گرفته از آیات زیر است:

... وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي (مائده، ۱۱۰)  
(نیز آل عمران، ۴۹)

- و نیز آیه: ... وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ... (آل عمران، ۴۹)

- تلمیح «نطق عیسی، صوم مریم، اعجاز مریم و نخل خرما» در ابیات:

نتیجه دختر طبعم چو عیسی است	که بر پاکی مادر هست گویا
(دیوان، ص ۲۴)	
مریم گشاده روزه و عیسی بسته نطق	کو در سخن گشاده سر سفره سخا
(دیوان، ص ۵)	
چه بود آن نطق عیسی وقت میلاد	چه بود آن صوم مریم گاه اصغا

(دیوان، ص ۲۷)

چو بر اعجاز مریم نخل خرما

سخن بر بکر طبع من گواه است

(دیوان، ص ۲۴)

که نخل خشک پی مریم آورد خرما

زبان بسته به ملح محمد آرد نطق

(دیوان، ص ۱۳)

که بر ترتیب اشاره دارد به آیات:

– قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا \* قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (مریم، ۳۰-۲۹)

– إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (مریم، ۲۶)

– وَهَزَيْتُ إِلَيْكَ بَجْدَعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَبِيًّا (مریم، ۲۵)

– ... وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (الصف، ۶)

به همین منوال خاقانی به تلمیحاتی مربوط به حضرت آدم (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت خضر (ع)،

حضرت ابراهیم (ع)، حضرت یوسف (ع)، ماجرای ابراهیم و کعبه و ... می پردازد.

۷- یکی دیگر از رویکردهای خاقانی به قرآن و حدیث تأثیرپذیری گزارشی است.

به ندرت مضامینی دیده می شود که ترجمه صریح یا ترجمه آزاد از آیات و احادیث باشد. از حیث آماری

می توان گفت که شیوه گزارشی ۳ درصد از جامعه آماری را در دیوان خاقانی به خود اختصاص داده است؛ به

عبارتی شاعر کمتر سعی می کند تا به ترجمه آیات و احادیث پردازد و این شیوه چندان درخور توجه خاقانی نبوده

است. جهت نمونه می توان به ابیاتی اشاره کرد:

از رحمت خدای شوی خاصه خدا

او رحمت خداست جهان خدای را

(دیوان، ص ۱۷)

مصراع اول، ترجمه از عبارت «و ما أرسلناک الا رحمة للعالمین» است.

– مصراع اول بیت زیر:

گرتو را مشکوه دل روشن شد از مصباح لا

هرچه جز نورالسموات از خدای آن عزل کن

(دیوان، ص ۱)

چنانچه در مصراع اول «نور السموات را مرادف با الله». «جز را مرادف با الأ» و «خدای را مرادف با اله» و «عزل

کن را مرادف با لا» بگیریم باید بگوییم که مصراع اول ترجمه «لا اله الا الله» یا «... لا اله الا هو» است؛ و...

### نتیجه گیری

با عنایت به حدود صد شاهد از ابتدای دیوان خاقانی این نتیجه حاصل می شود که اصالت سبک خاقانی در

تأثیرپذیری از قرآن و حدیث شیوه الهامی بنیادی است. مبرهن است که شیوه تلمیحی خود از شاخه های شیوه

الهامی بنیادی محسوب می شود و از سویی از اصالت های زیباشناختی شعر خاقانی نیز به حساب می آید. از حیث

زبانی می‌توان گفت که خاقانی از گزاره‌ها بیش‌تر سود می‌جوید و برای گزاره‌ها در ساختار کلام نقش ویژه‌ای قائل است. از حیث دستور زبان این گزاره‌ها عمدتاً در جایگاه مضاف الیه استعمال می‌شوند.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور الاحسانی، عوالی اللئالی، محقق السید المرعشی، قم، سید الشهداء، ۱۴۰۳.
- ابن حسام، منتخب کنز العمال، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۱۰.
- ی. ونسنگ، المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، لیدن، ۱۹۳۶.
- اصفهان‌ی، عبدالکریم، تذکره القبور، تحقیق ناصر باقری، بی‌نا، بی‌تا.
- بغدادی، اسماعیل، ایضاح المکنون، بیروت، احیاء التراث، بی‌تا.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۴۴.
- خاقانی، افضل الدین بدیل، دیوان خاقانی، تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران، زوار، ۱۳۷۳.
- دشتی، محمد، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، نشر امام علی (ع)، ۱۳۶۹.
- راغب اصفهان‌ی، افضل، مفردات الفاظ قرآن، به کوشش سیدغلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ری شهری، میزان الحکمه، مترجم محمدرضا شیخی، قم، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- الزحیلی، وهبه، التفسیر الوجیز و معجم معانی القرآن العزیز، دمشق، دارالفکر، طبعه الاولی، ۱۴۱۷.
- شریعت، محمدرضا، فهرست تفسیر کشف الاسرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- عادل، محمدرضا، فرهنگ عبارتهای عربی در شعر فارسی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- فانی، کامران و خرمشاهی، بهاءالدین، فرهنگ معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- فروزان فر، بدیع الزمان، احادیث مثنوی، ترجمه و تحقیق احمد خاتمی، تهران، انتشارات پایا، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- قضاعی، محمد، مسند الشهاب، حمد السلفی، بیروت، ج ۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ج ۶۵، نیز ج ۳۲، نیز ج ۱.